

عزاداری و رضاخان



گرچه به قدرت رسیدن رضاشاه با سر کوب و اختناق همراه بود اما عوامل دیگری از جمله عوام‌فریبی نیز در آن نقش مهمی داشت. واقعه زیر نشان می‌دهد تصویری که مردم آن زمان از وی پیدا کردند با آنچه بعدها به وجود آمد چقدر متفاوت بوده است:

تاج‌الملوک امیریلو همسر رضاشاه:

«آن موقع در محله سنگلج تهران یک نخل بزرگ نگهداری می‌شد که در روزهای عزاداری ۵۰، ۶۰ نفر زیر آن می‌فقتند تا این نخل را بلند کنند و در تهران بگردانند!

سنگلج، بازارچه قوام، سیدنصرالدین، سر قبر آقا و بهارستان. سر و ته تهران به بهارستان و دروازه قزوین ختم می‌شد. چند تا دروازه اطراف تهران بود و دور شهر هم خندق کشیده بودند. شبها پل‌های چوبی روی خندق‌ها را برمی‌داشتند تا کسی نتواند عبور و مرور کند. اگر هوا خشک بود و گرد و خاک و غبار در شهر جریان داشت و اگر یک کم باران می‌آمد تمام سطح شهر را گل و لای فرا می‌گرفت. سر هر محله و کوی و برزن هم عده‌ای داش مشتی و قدارمبند که گردن کلفت محل بودند ایستاده بودند و از کسبه و اهالی محل باج می‌گرفتند. روزهای تاسوعا و عاشورا هر محله‌ای دسته سینه‌زن و زنچیرزن خودش را داشت و این دسته‌ها ره می‌افتانند و وقتی به هم می‌رسیدند بر سر اینکه کدام دسته باید اول عبور کند زد و خورد می‌کردند و امکان نداشت در ایام عزاداری بین دسته‌های سینه‌زن و زنچیرزن زد و خورد و نزاع نشود و عده‌ای لت و پار و مجروح و مقتول نشوند. رضا هم دسته مخصوص خودش را داشت. (البته این مربوط به قبل از سلطنتش است.)

رضا قزاق‌ها را که در عشرت‌آباد بودند با وضع آبرومندانه‌ای سامان می‌داد و خودش هم جلوی دسته در حالتی که گل به سر و رویش مالیده بود با پای برهنه راه می‌افتاد و سینه می‌زد.

دسته قزاق‌ها خیلی تماشایی بودند چون همراه خودشان یک دسته بالابانچی (دسته موزیک ارتش) هم داشتند که مارش عزا می‌زدند و قزاق‌ها نومه‌های جالبی می‌خواندند. فی‌المثل می‌گفتند:

اگر در کربلا قزاق بودی

حسین یابو و تنها نبودی!

رضا با آن قد و قامت رشید در جلوی دسته و سایر قزاق‌ها به ترتیب درجه و منزلت نظامی در پشت سر او ردیف شده و سینه می‌زدند. من همیشه خاطره دسته قزاق‌ها را در ذهنم نگهداری کرده‌ام. در عشرت‌آباد یک عمارت کلاه فرنگی و یک باغ بزرگ از زمان ناصرالدین‌شاه باقی مانده بود که در زمان احمدشاه هنگ اسواران در آن محل مستقر بود.

دسته قزاق‌ها از عشرت‌آباد (هنگ اسواران) که در واقع خارج از شهر بود راه می‌افتاد و می‌آمد به محل باغ ملی که در وسط آن یک میدان بزرگ مشق و رژه وجود داشت. گرد و خاک زیادی به هوا برمی‌خاست و خلاصه هنگ‌های دینی بود.

حدود یک سال مانده به سلطنت رضا در ایام عزاداری آن سال در تهران شایع شد که وهابی‌های حجاز به (مطهر و مقدس) حضرت محمد(ص) حمله و آنجا را ویران کرده‌اند.

در این موقع مردم تهران آن نخل بزرگ محله سنگلج را برداشته و حمل کردند. دستجات مردم از گوشه و کنار شهر تهران حرکت کرده و به طرف میدان توپخانه که دارای محوطه بزرگ و وسیعی بود سرسازیر شدند.

دسته قزاق‌ها هم مثل سایر دستجات راه افتاد و خود را به میدان توپخانه رسانده بود. مردم خشمگین و عصبانی مشته‌های خود را رو به هوا تکان داده و مرتب فریاد می‌زدند یا محمد!، یا محمد!

در این اثنی عده‌ای از مردم متوجه حضور رضا که در آن موقع فرمانده قزاقخانه بود می‌شوند و او را روی دست بلند می‌کنند. مردم همان‌طور که رضا را روی دست بلند کرده بودند به نفع قزاق‌ها شعارهای مختلف داده و تصورشان این بود که قزاق‌ها می‌توانند بروند حجاز، از متجاوزان به حریم مرقد مبارک حضرت رسول(ص) انتقام گرفته و آنها را گوشمالی بدهند.

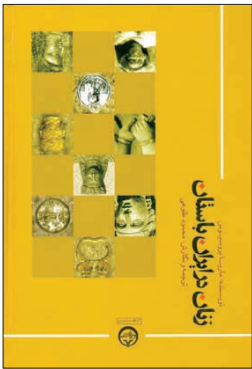
به همین جهت نوع شعارها عوض شد و جنبه حمایت از قزاق‌ها پیدا کرد.^۱

پی‌نوشت:.....

۱- خاطرات ملکه پهلوی، انتشارات به‌آفرین، سال ۱۳۸۰، صص ۷۵– ۷۳

پادشاه

زنان در ایران باستان



بررسی قرار می‌دهد. آنچه در این اسناد جلب توجه می‌کند تساوی حقوق زن و مرد در ایران باستان، به خصوص در کارگاه‌ها و مراکز تولیدی است. به موجب این اسناد و آثار تازه‌یافته، ریاست و سرپرستی بسیاری از کارگاه‌ها و مراکز تولیدی با زنان بوده و زنان در بسیاری موارد بیش از مردان دستمزد دریافت می‌کرده‌اند. از نگاه پژوهشی آگاهی‌های ما از هویت و موقعیت اجتماعی زنان ایران در دوران هخامنشی عمدتاً از منابع یونانی و نویسندگان و مورخان یونانی از هردودت گرفته تا نویسندگانی است که پس از او درباره ایران باستان و دربار هخامنشی مطالبی نوشته نشده‌اند. آنها در آثار خود بیشتر به داستانسرایی پرداخته‌اند و تصویری منفی از خلیقات و هوسرانی‌های آنها ارائه می‌کنند. می‌توان دریافت که این داستانسرایی‌ها و تلاش برای ارائه یک چهره منفی از زنان دربار پادشاهان هخامنشی از رابطه خصمانه ایران و یونان در آن زمان و از جنگ‌های ایرانیان و یونانیان سرچشمه گرفته است. روی‌هم‌رفته می‌توان نتیجه گرفت عمده مطالب و منابع تاریخ ایران شوربخانه‌به‌وسيله کسانی نوشته شده که اغلب نگاهی دشمن‌گونه به آناری که در کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی به دست آمده از جمله الواحی که در تخت‌جمشید کشف شده استناد می‌کند، که تاکنون در هیچ منبع دیگری مورد استفاده قرار نگرفته است. کتاب با ترجمه محمود طلوعی در هفت بخش گردآوری شده است. عناوین آن به شرح زیر است.

افسانه و حقیقت، زنان در دربار پادشاهان هخامنشی، ازدواج و سیاست، نقش سیاسی و اجتماعی زنان در دوران هخامنشی، زنان و اقتصاد دوران هخامنشی/ جمع‌بندی و نتیجه، نقش زنان در تاریخ ایران از پایان دوران هخامنشی تا ساسانیان. این کتاب توسط انتشارات تهران منتشر شده است.

تاریخ

به مناسبت سالروز تولد کوروش

🚩 **سیدمحمد میرسلطانی**

یادش بخیر اون قدیما که قدمون تازه شده بود
قد یک تنگنم یک و چندتایی هم مو تازه داشت
پشت لب‌ها و چونه‌مون سبزی می‌شد، خدا را شکر می‌کردیم که تنگن برنو از رده خارج شده وگرنه قد ما به اون نمی‌رسید و نمی‌گذاشتن بریم جنگ.
حال بگذریم که وقتی رفتیم تنگ‌هامون کلاش بود که اونم با قنداق تاشو حتی به اندازه یک عصا هم نبود
برای بعضی‌هامون.. ما هم به لچ رفتیم و تیربار گیرینوف گرفتیم که توی چند ثانیه یک قطار فشنگ را دود می‌کرد می‌رفت هوا و فاتهحه..
یادش بخیر یه چفیه داشتیم که هم سجاده بود، هم سفره، هم حوله بود و هم چتر، هم بانداژ بود و هم ریسمان، هم آتل، هم دستبند و هم دستمال گردن بود و هم ماسک ضدشیمیایی و هم یک علامت عین یک پرچم.
بگذریم.

۱۰ سال پیش در آستانه ورود به قرن بیست و یکم میلادی و هزاره سوم از استادم منوچهر طیب پرسیدم اساسی‌ترین نیاز بشر را در آستانه هزاره جدید چه می‌دانید؟ فرمودند آموزش... با کسب اجازه از ایشان حقیر مایلم این نیاز را (در آستانه ورود به دهه دوم این سده و هزاره) صلح عنوان کنم. صلح به معنای احترام به عقاید طرف مقابل و پرهیز از پرخاش و جنگ برای تحمیل نظرات و عقاید، و در کنارش حفظ اصول و دفاع از ارزش‌های خودمان.

به راستی ایا بیشترین دلیل برای وقوع جنگ‌ها طی قرون گذشته به دلیل فوق نبوده است؟
کوروش نامی که این روزها کمی آن را بیشتر می‌شنویم و می‌خوانیم بنا به حافظه تاریخ در روز ۷ آبان به دنیا آمد.

هفتم آبان امسال با سال‌های دیگر متفاوت است و آن به دلیل قرار داشتن لوح حقوق بشر کوروش در وطن خود است؛ استوانه‌ای از گل پخته که روی آن به خط و زبان اکدی اولین اعلامیه حقوق بشر در



کهنه‌های قاریخ

خاطرات ملکه مادر

🚩 **فریب شاه و مردم**

قبل از کودتای ۱۲۹۹ رضاخان، وی فرمانده قزاق بود. در آن زمان موقع عزاداری ماه محرم هیات‌های مختلفی بیرون می‌آمدند و مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی اجرا می‌کردند.
فوج قزاق هم یک هیات برای خود درست کرده بود و به نام هیات قزاق معروف شده بود. این هیات که افرادش نظامی بودند خیلی منظم و همراه با مارش نظامی نظر مردم را جلب می‌کرد. یک سال قبل از کودتا در تهران شایع شد وهابی‌های عربستان می‌خواهند به حرم حضرت رسول(ص) در مدینه حمله کرده و آن را تخریب کنند. مردم مذهبی ایران از این شایعه سخت نگران و عصبانی بودند. در چنین شرایطی رضاخان در مراسم عزاداری هیات قزاق شرکت می‌کند. عده‌ای هم دور او را می‌گیرند، سپس به عنوان اینکه رضاخان اقتدارش ریزانده شده بود که می‌تواند مانع تخریب اماکن مقدسه حجاز شود، او را روی دست بلند می‌کنند و به نفع قزاق و علیه وهابی‌ها شعار می‌دهند.

ملکه مادر تاج‌الملوک آیرملو همسر رضاشاه درباره این واقعه خاطراتی نقل می‌کند که قابل تامل است. «یک نفر از سفارت انگلستان از این مراسم فیلمبرداری می‌کند و این فیلم را می‌برد به پاریس و جلوی احمدشاه نمایش می‌دهند.

احمدشاه ملاحظه می‌کند مردم مشت‌هایشان را رو به هوا تکان می‌دهند و حرف‌هایی می‌زنند. البته چون فیلم صامت بوده چیزی از محتوای کلام مردم دستگیرش نمی‌شود.
از افرادی که فیلم را برایش برده بودند، می‌پرسد: «این مردم چه می‌گویند؟»
جواب می‌دهند که مردم علیه‌احمدشاه شعار داده و می‌گویند: «هه شاه را نمی‌خواهیم!»
بعد در همان فیلم می‌بیند مردم رضا را روی دست بلند کرده‌اند.

مجدداً می‌پرسد: «راجع به این بابا چه می‌گویند؟»

سال پنجم ■ شماره ۱۱۰۰ ■ یکشنبه ۹ آبان ۱۳۸۹

یک پیشنه‌ها

به مناسبت سالروز تولد کوروش

جهان با نشانه‌های میخی ثبت شده است. این سندن به جامانده از عهد باستان گویای این مطلب است که تمدن ایران بر پایه‌های وحدانیت برقرار بوده و نیروی جهانگشایی کوروش (هرچند وی یک نابغه نظامی بوده) حاکی از تسلط بر قلوب مردم سرزمین‌های جدید بود و همان گونه که پیش از این در جایی دیگر گفتیم، کوروش بردگان را بنده کرد. کوروش به کشورها و سرزمین‌هایی وارد می‌شد که غالباً توده‌ها انتظارش را می‌کشیدند و آزادی خود از جنگ اسارت خونخواهان را چشم انتظارش بودند. محبوبیت نام کوروش بزرگ در تاریخ تا به آنجاست که در هزارها و قرون گذشته بسیاری سعی در منگنه کردن نام خود به نام او داشتند و همین اواخر پهلوی نگونبخت پسر قلدرخان شصت تیر به او خواب بغرما می‌زد.

به زعم تمامی انسان‌دوستان خدای‌جو کوروش

بنیانگذار تمدنی اخلاقی بر محور الهی است و

جاودانگی مشی او تنها به دلیل تاسی عارفانه او از

جهان هستی و خالق هستی است و به این جهت

ماندگار مانده است.

تاریخ‌نویسان از عهد باستان تاکنون او را نه به

عنوان یک سلطان یا پادشاه بلکه با چهره‌ای خدامدار

و یکتاپرست می‌شاسند که تمام قدرت خود را از

خالق یکنای خود می‌دانند. حرکات و سکنات کوروش

بزرگ برخلاف سلطه‌گران و کام‌ورزان در اعصار

گذشته و حال حاکی از نظامی‌گری و تسلط نفس

پلید نبوده است آنچه او ابداع کرد یک جریان است،

یک فرهنگ است مانند تمام جریان‌های الهی تاریخ

که پایه اول آن خود ندیدن و در اندیشه خود نبودن

است، از این روست که این نام در قالب سالنامه

و تقویم و عکس و گل پخته نمی‌گنجد و زمینه

ماندگاری او جریانی است که خروشان از فرهنگی

ماورای زمان و مکان و نه هرگز خاص یک مقطع یا

محدوده جغرافیایی.

اگر نامی ماندگار و جهانی می‌شود تنها به

خط و زبان اکدی اولین اعلامیه حقوق بشر در

تعالی بخشیدن به اصول و مفاهیم اصلی و اساسی آدمیت است.

و حالا ما هستیم و شیاطین دور و نزدیک، هم آنان که بیشترین ندایی که سر می‌دهند صلح و بشردوستی

است و چه جایزه‌ها که در اثباتش نمی‌دهند.

سال گذشته (۱۳۸۸) در چنین ایامی که جایزه صلح نوبل را به اوپاما دادند، (همو که ما را تهدید نظامی کرد) حقیر طرحی را تحت عنوان اعطای جایزه‌ای به نام جایزه حقوق بشر کوروش (ذوالقرنین) یا جایزه صلح کوروش، به صلح‌جویان و صلح‌خواهان حقیقی جهان مطرح کردم که دارای پایه و اساس

.....**مکتوبی**



به نام خدا

اصل این نامه در مورخه ۸۹/۳/۲۹ تحویل فرستاده آقای باقری (کارمند دفتر آقای مشایی) گردیده و از آن تاریخ تاکنون عل‌ی‌رغم پیگیری‌های مکرر، هیچ گونه پاسخی به اینجانب داده نشده است.

سیدمحمد میرسلطانی

تاریخی و غیرقابل انکار است این طرح به همت استاد ارجمندم جناب آقای سیدکاظم موسوی‌بجنوردی رئیس مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در همایش کوروش هخامنشی و ذوالقرنین در تاریخ ۶ خرداد سال جاری توسط دکتر حسن رضایی‌باغبندی دبیر این همایش قرائت شد.

طرح فوق از آغازین روزهای اعلام خود طی یک

سال گذشته بای‌مهری مواجه شد و همچنان از طرف

مراجع فرهنگی و اجرایی بدون پاسخ مانده است.

این طرح به‌رغم اعلام و تایید رسمی که طی

نامه‌ای از طرف مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

(که بزرگ‌ترین مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی

در جهان کنونی است) صورت پذیرفته، یک سال و

اندی است که بی‌پاسخ مانده است.

این ایام مصادف شده با بروز درگیری‌های خیابانی

بین پلیس و معترضان فرانسوی؛ کشوری که بوق

دموکراسی و آزادی‌اش چند سده است که گوش همه

را کر کرده. همچنین این روزها ما با امواج پی‌درپی

و کم‌سابقه زیاده‌خواهان جهان به بهانه نقض حقوق

بشر در ایران مواجهیم و این در حالی است که خشت

آغازین و بن تمامی قوانین آزادی بشری این روزها

میهمان خانه خود، محصور در حفاظتی شیشه‌ای

است، و چه سنگین و طاقت‌فرساست که در عصر

حاضر منادیان صلح و انسان‌دوستی و حقوق بشر

می‌شوند، رشا پشت خط است بدون آنکه معطل شود

و بالاخره اینکه طرح اعطای جایزه جهانی صلح

کوروش (ذوالقرنین) یا جایزه حقوق بشر کوروش از

آنجایی مهم و بارزاش می‌نماید که در واقع پلی است

مستحکم مابین فرهنگ و تمدن کهن و باستانی

ایران با فرهنگ اسلامی امروز این دیار.

از روی این پل می‌توان گذر کرد، از کنارش

نگذریم...



آن شخصیتی ایرانی و قرآنی همچون کوروش بزرگ (ذوالقرنین) است خاموش ماندن‌ایم.

لوح حقوق بشر کوروش که حدوداً از اواخر شهریور در موزه ملی ایران به نمایش عمومی درآمد، قرار است چهار ماه میهمان ما باشد؛ مدتی که خوب است کمی تمدید شود تا زمان بازگشتش مقارن با اواخر آذرماه نشود.

نگارنده نگران آن است که تعلل در اجرای این طرح همانند دیگر گنجینه‌های فرهنگی و هنری این دیار که گهگاه دچار شبیخون می‌شوند و مدعی پیدا می‌کنند و به غارت می‌روند مانند چوگان یا مولوی و این سینما یا خلیج فارس که انبوهی از مدارک چند هزارساله در تایید نامش به‌عنوان خلیج فارس در اختیار داریم، دچار شبیخون شود و مدعی پیدا کند.

۷ آبان سالروز تولد کوروش بزرگ اگرچه بهانه خوبی برای یادآوری طرحی به نظر می‌رسد که ماه‌هاست به متولیان فرهنگی و اجرایی کشور ارائه شده اما به اعتقاد اینجانب بار فرهنگی و پیامدهای مثبت و جهانی عملی شدن این طرح خود به خود آنقدر وسیع و بارزاش است که یادآوری آن نیازی به تقویم و بهانه ندارد.

یادمان باشد که کوروش (ذوالقرنین) تنها نامی است که از ایران باستان در کلام وحی (قرآن کریم) آمده است و از او به نیکی یاد شده و بر احسانش به بردگان و زیردستان مهر تایید زده شده است. و بالاخره اینکه طرح اعطای جایزه جهانی صلح کوروش (ذوالقرنین) یا جایزه حقوق بشر کوروش از آنجایی مهم و بارزاش می‌نماید که در واقع پلی است مستحکم مابین فرهنگ و تمدن کهن و باستانی ایران با فرهنگ اسلامی امروز این دیار.

از روی این پل می‌توان گذر کرد، از کنارش

نگذریم...

● مهدی غنی●

🚩 **دیکتاتور ثروتمند و پیشوای بی‌بول**

تاج‌الملوک آیرملو همسر رضاشاه: «موقعی که همراه با اشرف و شمس به آلمان رفته بودم، تیمور تاش ما را در برلین به ملاقات هیتلر برد... موقعی که ما به ملاقات هیتلر رفتیم آقای محتشم‌السلطنه اسفندیاری هم حضور داشت. هیتلر با من و اشرف و شمس دست داد و از من حال و احوال رضا را پرسید... از طرف سفارت ایران یک مرد جوان به عنوان دیلماج حضور داشت که مطالب هیتلر را برای ما و حرف‌های ما را برای هیتلر ترجمه می‌کرد. اگر اشتباه نکنم این مرد جوان جمال‌زاده پسر سیدجمال واعظ‌اصفهانی بود که بعدها نویسنده معروفی شد.

ما برای هیتلر چند هدیه برده بودیم که عبارت بود از دو قطعه قالی نفیس ایرانی و مقداری پسته رفسنجان.

حاج محتشم‌السلطنه اسفندیاری قالی‌ها را در جلوی پای هیتلر باز کرد و شروع به توضیح کرد. هیتلر خیلی از نقش قالی‌ها و بافت و رنگ آنها خوشش آمد. روی یک قالی که در تیریز بافته شده بود عکس خود هیتلر بود.

روی قالی دیگر هم علامت آلمان را که عبارت از

صلیب شکسته بود، نقش کرده بودند.

از مطالب هیتلر دستگیرمان شد که باورش نمی‌شود این تصاویر ظریف را بدست بافته باشند. هیتلر هم مثل متقابل سه قطعه عکس خود را امضا

کرد و به من و دخترانم داد.

دیلماج سفارت گفت: آقای هیتلر می‌گویند متأسفانه پیشوای آلمان مثل شاه ایران ثروتمند نیست و نمی‌تواند متقابلاً هدیه گرانقیمت به ما بدهد و از این بابت معذرت می‌خواهند»^۵

غافل از اینکه ثروت رضاشاه هم ارث پدرش نبود،

نفتی بود که به غارت می‌رفت.

پی‌نوشت‌ها:.....

۱- خاطرات ملکه پهلوی، نشر به‌آفرین، ۱۳۸۰،

صص ۷۸ و ۷۹

۲- همان، ص ۸۰

۳- همان، ص ۸۱

۴- همان، ص ۸۴

۵- همان، صص ۹۶ و ۹۷